

معاشرت با مردم از نگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه

حسین اسماعیلی*

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است ناگزیر با ارتباط با دیگران است، از آنجاکه فرهنگ جامعه ما بر اساس آموزهای اسلامی است، بر مسلمانان لازم است بر شناخت کیفیت معاشرت خوب افراد بایکدیگر بر طبق موازین اسلامی اقدام کنند، از این روائحه معصوم (ع) بهترین الگوی تربیتی بوده‌بویان سیره تربیتی آنان بهترین روش جهت الگوگیری از آن بزرگواران است، و در این میان، ارئه دیدگاه‌های تربیتی امیر مومنان امام علی(ع) بر ضرورت این موضوع لازم و ضروری است.

هدف این پژوهش اثبات برتری نظام تربیتی امام علی(ع) بر سایر نظام‌های تربیتی می‌باشد. و الگو قرار دادن این نظام تربیتی بر سایر نظام‌های تربیتی می‌باشد، روش پژوهش، توصیفی، تحلیلی بوده منابع و مراجع مرتبط مورد بررسی واقع شده است.

واژه‌های کلیدی: معاشرت، مردم‌داری، اسلام، امیر مومنان علی(ع)، نهج البلاغه.

مقدمه

از آن جاکه انسان فردی اجتماعی و هویت او با تعامل با دیگران از راه ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد، از این روست روابط اجتماعی از ابعاد تربیت را شکل می‌دهد، سیره‌ی تربیتی امام علی(ع) بعنوان مفسر وحی و تجسم تعالیم اسلام، مهم‌ترین راه بسوی سعادت محسوب می‌شود. حسن معاشرت یکی از ویژگی‌های زندگی سالم اجتماعی است، و اساس معاشرت شناخت حقوق یکدیگر است. بی‌عدالتی، ظلم، تبعیض، از آفات سوء معاشرت هستند. پرداختن به این موضوع از این جهت اهمیت دارد که بسیاری از مردم از امر مهم

* استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور (hosain_esmaili@yahoo.com)

حسن معاشرت و برخورد های سالم اجتماعی آگاهی لازم راندارند، از اینجهت پرداختن به این موضوع، ضرورت دارد.

پرسش اصلی این پژوهش، عبارت است از: الگوی چگونگی معاشرت بامردم از نگاه امیرمومنان علی (ع) چیست؟

پرسش های فرعی عبارتند از:

۱. آیا خدمت به مردم و نیازمندان از حسن معاشرت بامردم محسوب می شود از دید امام

علی (ع)؟

۲. آیا روحیه گذشت و ادب و افتادگی از خوش رفتاری بامردم محسوب

می شود از دیدگاه امیرمومنان؟

تاثیر نهج البلاغه در فرهنگ اسلامی و شیوهی رفتار مسلمانان بایکدیگر سهم قابل

توجهی داشته است.

این موضوع مورد بررسی بعضی از پژوهش گران قرار گرفته که به برخی از آن ها اشاره

می شود:

۱. محمدی (۱۳۷۵) در تحقیقی به مقایسه تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

با نظردانشمندان علوم اجتماعی می پردازد نتیجه می گیرد که روش های نهج البلاغه از نظر کمیت و کیفیت باروش های متداول در تربیت اجتماعی متفاوت است.

۲. مسروری ثانی (۱۳۸۴) با تعریف مسئولیت در نهج البلاغه از ابعاد فردی و اجتماعی به

این نتیجه می رسد که انسان مسئول است.

۳. ایران پور (۱۳۸۴) مهارت های اجتماعی را در ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری را در نهج

البلاغه بررسی کرده در بعد عاطفی به مواردی مانند خوش گمانی به دیگران و خویش تندی اشاره کرده است.

در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از کلمات امیرمومنان در نهج البلاغه برای

معاشرت بامردم به پرسش های مطرح شده پاسخ دهد و به نحو جامع تری به موضوع به پردازد به خواست خداوند.

بوجود آوردن روحیه خوش رفتاری

خوش رفتاری جلوه های مختلف آن مانند پرورش روحیه خدمت به هم نوع، روحیه

امانت داری، آسان گیری، روحیه محبت ورزی، مدارا کردن با مردم، روحیه صبر در برابر بدی دیگران و موارد دیگر این عبارات در جای جای نهج البلاغه پیداست از جمله: "چنان با مردم رفتار کنید که اگر در آن حال مردید در جدایی بر شما گریه کنند و اگر زنده ماندید خواستار معاشرت با شما باشند" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۱۰). مباحثی که در نهج البلاغه درباره رعایت حقوق همسایگان، پیوند با خویشاوندان، سفارش به حمایت از یتیمان، فقیران و اسیران آمده مبین روح انسان دوستی است. "از خدا بترسید، از خدا بترسید، درباره یتیمان، پس برای دهان هایشان نوبت قرار ندهید، آنان را گاه سیرگاه گرسینه قرار ندهید و کاری نکنید که بر اثر گرسنگی و بی سر پرستی تباه شوند" (همان، خ ۴، ص ۴۷) امیر مومنان (ع) را جذب دل هارا خوشرویی بیان می فرمایند: "دل های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوش رویی کند" (همان، حکمت ۵۰) در نامه ۷۶ به عبدالله ابن عباس، فرماندار بصره فرمودند: "به هنگام دیدار و در مجالس و در مقام داوری، گشاده رو باشو از خشم پرهیز کن، که سبک مغزی به تحریک شیطان است."

نمونه های بیان شده

۱. کمک به همنوع

بهترین نوع آن در خانه ای آن حضرت دیده شد، زمانی که اعضای آن خانواده در مقام نیکی، سه روز غذای افطار خویش را به یتیم و اسیر و فقیر بخشیدند: "طعام را در حالی که خود دوستش دارند به مسکین و یتیم و اسیر می خوراندند" (انسان: ۸) آن حضرت نخلستان می ساخت و بر فقیران وقف می کرد. همیشه در رفع خواست های مردم تاکید داشتند، به فرمان روایان خود فرمودند: "در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در بر آوردن نیاز هایشان شکیبا باشید" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷ نامه ۲ ص ۵۱).

۲. توجه به نیازمندان

در بین مردم محروم و مستمند زیاد وجود دارد در جوامع کمتر به آن ها توجه میشود کارهای مهم را این ها انجام میدهند امیر مومنان امام علی (ع) می فرمایند: "من همیشه از روح و جان رسول خدا - که درود خدا بر او باد - می شنیدم که می فرمود: کسی که حق ضعیفان

ومحرومان راباصراحت وقاطعیت نستانههرگز پاک نخواهدشدوبه سعادت نمی‌رسد" (همان، ص ۱۱۱).

عدالت اقتضای کند که حاکم، همه‌ی انسان‌ها را به یک دیدگاه کند و در بین آنان با عدالت رفتار کند آن حضرت در حکومت خود همیشه این اصل مهم را مورد توجه داشته و بر آن تأکیدی ورزیدند در سفارش ایشان به ملک اشتر در خصوص طبقه محروم چنین آمده است: "سپس خدا را در طبقه پایین از مردم، آنان که راه چاره ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و دردمندان، در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است" (همان، نامه ۵۳ ص ۱۰۱-۱۰۳) همچنین در ارتباط به قشر ضعیف جامعه می‌فرماید: "از یتیمان خوردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی دارند، همواره دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بردوش زمامداران است" (همان، نامه ۵۳، ص ۱۰۶).

۳. محبت به دیگران

محبت اساس دین است و تعالیم دینی بر اساس آن بردل‌ها نشسته است انسان دوستی و خیرخواهی نسبت به مردم در نهج البلاغه بصورت کامل نمایان است، محبت هم در مورد کودکان و هم در مورد نوجوانان و جوانان، از بسیاری از رفتارهای نامطلوب جلوگیری می‌کند امام علی (ع) می‌فرماید: "با کودکان مهربانی کن و احترام بزرگان را نگه دار" (مجلسی، ۱۳۷۸، ج ۷۵، ص ۱۲۶).

امیر مومنان علی (ع) در ارتباط با فرزندان خود از جملاتی محبت آمیز استفاده نموده از جمله آن گاه که به امام مجتبی (ع) چنین خطاب میکنند: "فرزندم توجزئی از من هستی بلکه همه وجود من هستی بطوری که اگر به تو بلایی رسد به من رسیده است و اگر مرگ تو را در کام گیردم مرا در کام گرفته است آن چه از وضع و حال تو مورد توجه من قرار گرفته است، همان و ضف حال خود من است که برایم اهمیت دارد" (همان، ج ۱۰۴، ص ۹۹) از آن حضرت در تربیت افراد جامعه بر اصل بدست آوردن دل‌ها توجه زیاد شده در این باره می‌فرماید: "دل‌های مردم، وحشی است به کسی روی می‌آورند که به آن‌ها خوشرویی کنند" (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۲). از سویی دیگر محبت واقعی به

۲۴۱ ■ معاشرت با مردم از نگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه

پیامبر(ص) و اهل بیت او بهترین وسیله برای رسیدن به کمال است و انسان در سایه دوست داشتن اهل بیت (ع) و مهرورزی به آنان به خوش بختی می‌رسد. امیر مومنان می‌فرماید: "نیک بخت‌ترین مردم کسی است که برتری جایگاه ما را بشناسد و بوسیله ما به خدا نزدیک شود و محبت ما را در خود خالص گرداند و بدانچه او را فراخوانده ایم عمل کند و از آنچه نهی کرده ایم بازایستد، پس چنین کسی از ماست و در آخرت باماست" (خونساری، ۱۳۶۰، ج ۲، ۴۶۱). آن حضرت دوستی واقعی به اهل بیت رازمانی می‌داند که فرد به سنت آنان عمل کند. حضرت می‌فرماید: "هر که ما را دوست دارد، باید به عمل ما عمل کند و به خویشتن داری، خود را پوشش دهد" (همان، ج ۵ ص ۱۷۷).

۴. ایجاد حس مسئولیت و امانت داری

یکی از آثار تربیت حس مسئولیت و امانت داری است، آن حضرت در این رابطه توصیه‌های زیادی شده است، از جمله می‌فرماید: "کسانی که شمارا امین دانسته‌اند امانتشان را ادا نمایند" (ناظم زاده، ۱۳۷۵، ص ۵۳). یکی از مسئولیت‌های مهم حفظ اموال عمومی و بیت‌المال است، که به صورت امانت در اختیار حاکم شرع است، در حفظ بیت المال همگان وظیفه دارند تلاش کنند و به خوبی از اموال مراقبت کنند و امیر مومنان را در این زمینه الگوی خود قرار دهند آن حضرت پس از تقسیم بیت المال دورکعت نماز می‌خواند. می‌فرمود: "ای بیت‌المال در روز قیامت شهادت ده که علی از مال مسلمانان براسی خود ذخیره نکرد این رفتار بر اساس سیره محبوبم رسول خداست که آن حضرت بابت المال داشت" (ثقفی، ۱۳۷۱، ج ۱ ص ۴۸). حضرت در نامه به بعضی از ماموران مالیات می‌فرماید: "سفارش که امانت الهی را پرداخته و امانت را خالصانه انجام دهید... کسی که امانت الهی را خوار شمارد دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوار تر و رسواتر خواهد شد و بزرگترین خیانت، خیانت به ملت و رسواترین دغل کاری، دغل بازی با امامان است." (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، نامه ۲۶). اگر افراد به این موضوع مهم توجه نکنند امانت دارند نباشد و خیانت کرده و زیان کارند. حضرت در این خصوص می‌فرماید: "کسی که امانتی را خوار شمارد و در خیانت گام بردارد و خود و دینش را از آن منزّه نسازد، درهای ذلت را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خواتر خواهد بود" (ناظم

زاده، ۱۳۷۵، ص ۵۳). امیرمومنانامام علی(ع) درنامه‌ای به کارگزاران خود فرمودند: "نوک قلم‌های تان را نازک کنید، سطرهارابه هم نزدیک کنید، تعارف رانست به من کاهش وزوایدرا حذف کنید، در قصدمعانی میانته روباشید، زیاده روی نکنید، زیرا بیت المال مسلمانان هیچ زبانی را بر نمی‌تابد." (صدوق، بی تا، ص ۳۱۰).

۵. مدار کردن با مردم

نرمش امیرمومنان(ع) به دوست و دشمن محدود نمی‌گردد. ازدید آن حضرت، تمام روابط اجتماعی، قلمرو مداراست. رسیدگی به امور بیچارگان، همنشینی با فقیران، تحمل انتقادها کمک بیتیمان همه بیانگر قلب مهربان و روح بلند ایشان است. درنامه‌ای به عبدالله عباس فرماندار بصره نوشتند: "بدان، که بصره امروز جایگاه شیطان و کشتزارفته هاست. با مردم آن به نیکی رفتار کن، و گره وحشت را از دل‌های آن‌ها بگشای. بدرفتاری تور با قبیله "بنی تمیم" و خشونت با آن‌ها رابه من گزارش دادند "بنی تمیم" مردانی نیرومندند که هرگاه دلاوری از آنان غروب کرد، سلحشور دیگری جای آن درخشید و درنبرد، در جاهلیت و اسلام، کسی از آنان پیشی نگرفت آن‌ها با مایه‌های خویشتاوندی دارند، که صله رحم با آنان پاداش و گسستن پیوند با آنان کیف‌الهی دارد، پس مدارا کن ای ابوالعباس که خدایا بمرز در آنچه از دست و زبان تو، از خوب یا بد جاری می‌شود (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۱۸). در خطبه‌ی دیگر، مدارا رابه کارگزاران خود سفارش می‌فرمایند که "پس در مشکلات از خدایاری جوی و درشت خوبی رابانندک نرمی بیامیز، در آن جا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و درجایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی کن، پروبالت را برای رعیت بگستران، با مردم گشاده روی. فروتن باش و درنگاه چشم، در سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش، تا زورمندان درستم توطمع نکنند و ناتوان در عدالت تو مأیوس نگردد" (همان، نامه ۴۶).

از دیدگاه آن حضرت نرم خوبی کلید رسیدن به درستی و منش خردمندان است (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷ ج ۱۰ ح ۴۱۱۴) روش ایشان در مقابل مخالفان، ابتدا نرمش بود، اما هنگامی که تمام راه‌های صلح آمیز بسته می‌شد با قاطیت برخورد می‌نمود. حضرت هیچ‌گاه مخالفان خود را از بیت المال محروم نساخت

۶. رعایت ادب در سخن گفتن

یکی از راه‌های سالم سازی جامعه بوجود آوردن روحیه اعتماد به یکدیگر است و این مهم در پر تورعایت ادب در کلام است جامعه‌ای که ادب در آن حاکم باشد مردم آن جامعه احساس آرامش می‌کنند و وحدت و همدلی بر آن جامعه حاکم است راه اختلاف و پراکندگی در آن جامعه بسته می‌شود. امیرمؤمنان امام علی (ع) در این باره فرموده اند: "از علامات مردم با تقوا، این است که از دشنام دا دن دوری می‌کنند و گفتارشان ملایم است" (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲) درسخنی دیگری فرمایند: "بدزبانی ارزشت را کم می‌کند و برادری را فاسد می‌کند" (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ج ۴ ح ۱۴۴). این سخنان بیانگر این است که شخصیت تربیت یافته در مکتب اهل بیت (ع) به گونه‌ای است که با دشنام و رفتار بد که تفرقه‌انگیز است تفاوت دارد (علوی تراکمه ای، ۱۳۷۷، ص ۴۹۹). ادب در گفتار خوبی پاک دلان است کسی که با ادب سخن بگوید دیگران با او مؤدبانه سخن می‌گویند آن حضرت فرموده اند: "زیبا سخن بگویند تا پاسخ زیبایشان شود" (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ج ۲ ص ۲۶۶). کوتاه سخن اینکه کیفیت برخورد ما با انسان‌های دیگر، همان نتیجه ربه ما برمی‌گرداند. ادب، ادب می‌آورد و توهین و فحش، بددهانی و اهانت متقابل را در پی دارد (محدثی، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

۷. ایجاد روحیه صبر در برابر بدی دیگران

صبر و شکیبایی در برابر بدی دیگران یکی از صفات پسندیده است. حلم و بردباری در برابر بدکاران نشانه رسیدن به درجات کمال است شکیبایی در برابر افراد ناشایست و گذشت از بدی دیگران صبری ستوده شمرده شده است آن حضرت صبر را دلیری می‌داند (نهج البلاغه، حکمت ۳). حضرت در سفارش به صبر و شکیبایی خطاب به کمیل می‌فرمایند: "ای کمیل در هر دسته، مردمی بالاتر از مردم دیگرند، مبادا با ارازل آنان درافتی و اگر چه به تو بدگویند، تحمل کن و از آنان باش که خداوند در باره شان فرموده: "و هروقت جاهلان به آنان خطاب کنند، در پاسخ سلام دهند" (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷). باید توجه داشت که هیچگاه پلیدی هارابا پلیدی نمی‌توان از بین برد، همان گونه که نجاسات ظاهر بوسیله عوامل پاک از بین می‌روند، پلیدی‌های روحینیز به وسیله رفتار شایسته برطرف می‌شوند. در واقع صابران پیروزند، چون توانسته‌اند تحمل

خود را بالا ببرند به همین جهت است آنحضرت می فرمایند: "چنانچه در برابر مقدرات دشوارشکیبایی ورزی، پاداش خواهی یافت و چنانچه بی تابی پیشه سازی هم چنان در میانه گرداب مقدرات ناگوار در هم پیچیده خواهی شد" (نوری طبرسی ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۳۱). و همچنین می فرمایند: "اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بنمای، زیرا اندک است کسی که خود همانند مردمی کند و جمله آنان به حساب نیاید" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۲۰۷). اگر روحیه شکیبایی در برابر بدی های دیگران در انسان ها تقویت شود جلوی بسیاری از نملایمات گرفته می شود.

۸. فروتنی در معاشرت با مردم

تواضع و فروتنی با مردم از ارزشهای مهم اخلاقی بوده و دارای آثار مثبت در زندگی است. تواضع را این گونه معنا کرده اند: "تواضع عبارت است از شکسته نفسی، که نگذار آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند، و لازمه آن کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می کند" (نراقی، بی تا، ص ۳۰۰). آن حضرت می فرمایند: "اگر خداوند تکبر و ورزیدن را اجازه می فرمود، حتماً به بندگان خاص خود از پیامبران امامان (ع) اجازه می داد، در صورتی که خداوند تکبر و خودپسندی را نسبت به آنان ناپسند، و تواضع را برای آنان پسندید، که چهره بر زمین می گذارند و صورت ها بر خاک می مالند و در برابر مؤمنان فروتنی می کنند و خود را از قشر مستضعف جامعه می باشند" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، خ ۱۹۲، ص ۳۶-۳۹). باید توجه داشت منظور از تواضع در مقابل توانگران نمی باشد بلکه تواضع توانگران در برابر نیازمندان است، روی همین جهت می فرمایند: "چه نیکوست فروتنی توانگران برابر مستمندان، برای بدست آوردن پاداش الهی، و نیکوتر از آن خویشستن داری مستمندان برابر توانگران برای توکل به خداوند است" (همان، حکمت ۴۰۶). کسانی که تربیت صحیح یافته اند، خود را برتر از دیگران نمی دانند. در نامه آن حضرت به محمدابن ابی بکر آمده است "با مردم فروتن باش فرم خوار، مهربان گشاده رو و خندان باش در نگاه و نیمه نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان درستمکاری تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نگردند (همان، نامه ۲۷)

معاشرت با مردم از نگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه ■ ۲۴۵

تواضع و فروتنی منبع نیکی‌هاست این خصلت موجب نشر ارزش‌ها و باعث زینت انسان می‌شود و جامعه رابسوی ارزش‌های متعالی سوق می‌دهد و مردم در آن جامعه احساس آرامش می‌کنند. حضرت در باب ارزش اجتماعی تواضع می‌فرمایند: "بادوست از روی تواضع و فروتنی همراهی کن" (ناظم زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷).

۹. ایجاد روحیه پرداخت صدقه و زکات.

یکی از راه‌های رسیدن به کمال انسان‌ها همان ایثارمال است که با دادن صدقه و زکات محقق می‌شود آن حضرت می‌فرمایند: "خداوند روزی فقیران را در اموال سرمایه داران قرارداد داده است، پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۳۲۸). برای مبارزه با فقر و تمندان باید حقوق خود را بپردازند، خداوند زکات را پایه دین و در ردیف نماز قرار داده چنان که قرآن کریم در آیات بعد از اقامه نماز، به ادای زکات سفارش کرده است گرچه آن‌ها جزء فروع دین و واجب می‌باشند، از آن جاکه به نوعی کمک به فقرا و نیازمندان بوده و صدقه و انفاق کردن به شمار می‌آیند، آثار و برکات این امور برای زکات هم خواهد بود، آن حضرت به کمیل می‌فرمایند: "ای کمیل برکت در مال کسی است که خمس و زکاتش را بپردازد و بامالش مؤمنان را یاری کند و صله رحم بانیکان نماید" (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶). حضرت در ارزش صدقه و زکات می‌فرمایند: "ایمان خود را با صدقه دادن و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید و امواج بلارا با دعا از خود دور کنید (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۶) همچنین می‌فرمایند: "صدقه دادن داریی ثمربخش است، و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه گراست" (همان، حکمت ۷)

۱۰. بوجد آوردن روحیه نیکوکاری در دیگران.

نیکوکاری و بخشندگی یکی از خصلت‌های خوب انسانی بشمار می‌آید بخشندگی از جمله صفات کمال انسانی است، این صفت در خود آن حضرت بصورت تمام و کمال وجود داشت آن حضرت می‌فرمایند: "دست سخاوتمندی ندارد آن کسی که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد، آن کس که خدا او را مالی بخشید، پس باید به خویشاوندان خود

بخشش نماید و سفره مهمانی خوب بگستراند و اسیر آزاد کند و رنج‌دیده را بنوازد و مستمند را بهره‌مند کند و قرض وامدار را بپردازد و برای درک ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق دیگران و مشکلاتی که در این راه به اومی رسد شکیبا باشد، زیرا بدست آوردن صفات یاد شده، موجب شرافت و بزرگی دنیا و درک فضایل سرای آخرت است" (همان، خطبه ۴۲). امیرمؤمنان امام علی (ع) از پیش روان عمل به بخشش بودند و بهترین مال خود را در راه رضایت خداوند به مردم انفاق می‌کردند. ایشان می‌فرمودند: "با اموال خود انفاق کنید، از جسم خود بگیری و بر جان خود بیفزایید و در بخشش بخل نوزید که خدای سبحان فرمودند: "کیست که بخدا قرض نیکو دهد تا خداوند چند برابر عطا فرماید و برای او پاداش بی عیب و نقصی قرار دهد در خواست یاری از شما به جهت ناتوانی نیست و قرض گرفتن از شما برای کمبود نمی‌باشد، در حالی که از شما یاری خواسته که لشکرهای آسمان و زمین در اختیار اوست و خداوند توانا و حکیم است" (همان، خطبه ۱۸۳، ص ۲۰-۲۳). مضمون این سخن این است که خداوند از روی گرفتاری از شما یاری نخواسته است و از روی ناداری وام نمی‌گیرد و فقط خواهسته شما را امتحان کند که کدام یک در عمل بهترید (قریشی ۱۳۸۴، ج ۲ ص ۴۹۴). معاویه در ارتباط بابخشندگی آن حضرت چنین می‌گوید: "اگر علی خانه‌ای از طلا را ملک شود و خانه‌ای از کاه را، طلا را بیشتر صدقه می‌دهد تا هیچ از آن نماند" (قمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸۴).

۱۰. همدردی با مردم

همدردی و شرکت در غم دیگران در مورد پیشوایان درباره پیشوایان امت اهمیت بسزایی دارد. انسان دوستی و ترحم به مردم اغلب در سفارش امام علی (ع) وجود دارد که نسبت به کارگزاران خود فرموده است و یادنامه‌هایی که به شخصیت‌هایی مانند مالک اشتر نخعی، عبدالله ابن عباس و عثمان ابن حنیف که در زمان خود نوشته است، ملاحظه می‌شود. حضرت بعد از توصیف حالات ظلم در روزگار خود می‌فرماید: "به من خبر رسیده که یکی از آنان (اهل شام) به خانه زن مسلمان وزن غیر مسلمانی که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ بوده، وارد شده و خلخال، دستبند، گردنبند و گوشواره‌های آنان را از تنشان بیرون آورده است، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه کردن، نداشته‌اند... اگر بخاطر این حادثه، اگر بخاطر این حادثه مسلمانی بمیرد ملامت

معاشرت با مردم از نگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه ■ ۲۴۷

نخواهد داشت و از نظر منسز او و بجاست " نهج البلاغه، خ ۲۷، ص ۵-۹). این کلام حضرت از روی احساس تعهد و دردمندی ازدیدن ظلم به یک انسان بی پناه است که خطاب به مردم می فرماید این موضوع آن قدر اهمیت دارد که اگر انسان بجهت آن بمیرد شایسته است. در آخرین وصیتی که حضرت به فرزندانش امام و امام حسین (ع) فرمودند: "دشمن سرسخت ظالم، ویاورستم دیده باشید" (همان، نامه ۴۷). امیرمؤمنان امام علی (ع) در دوران خلافت خود در کنار مردم زاهدانه زندگی می کردند و در مشکلات مردم گره گشا بودند آن حضرت می فرماید: "خداوند برپیشوایان دادگر واجب کرده است که زندگی خود را با طبقه ضعیف همسان کنند که رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند" (همان، خ ۲۰۰) اینها نمونه هایی بود از همدردی آن حضرت با مردم روزگار خودش.

۱۱. ایجاد روحیه پذیرش انتقاد

شکی نیست که انتقاد پذیری و نقد کردن عمل کردها باعث رشد و بالندگی جامعه میشود جامعه ای که در آن انتقاد سازنده وجود نداشته باشد رو بهاستبداد و خودکامگی حرکت می کند حاکم اسلامی باید انتقاد پذیر باشد که اگر در جایی خطایی کرد مردم از او بازخواست کنند او باید بپذیرد و قبول کند که اشتباه کرده است روحیه نقد و انتقاد پذیری باعث پویایی جامعه می شود و جلوی خودکامگی را می گیرد هر کاری که انسان می کند به نظر خودش بی عیب است تذکر دیگران باعث می شود انسان به کم بودها و نقص کار خود پی ببرد، آن حضرت می فرماید: "پس بامن چنان که با پادشاهان ستمگر سخن می گویند حرف نزنید و چنان که از آدم های خشمگین کناره می گیرند دوری نجوید و با ظاهر سازی بامن رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یاد رپی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. پس از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آنکه اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی دانم، مگر این که خداوند مرا حفظ فرماید" (همان، ۱۳۸۷، خ ۲۱۶، ص ۲۲-۲۴). امیرمؤمنان در دوران خلفا هر جا که اشتباهی می دید تذکر می داد نسبت به کارهای خلافشان انتقاد می کرد چنان که وقتی خلیفه دوم اموال برخی از کارگزاران خلاف کار را مصادره کرد سپس باباز گرداند نیمی از اموال به آنان، آن هارا در مسئولیت های

پیشینشان باز گرداند، با اعتراض امام علی (ع) روبرو شد که اگر آنان باخلاف کاری به این ثروت دست یافته اند، چگونه همچنان نیمی از آن را در اختیار می‌گیرند و به کار پیشین خود باز می‌گردند؟ این انتقادهای در زمان عثمان که کج روی را از حد گذرانده و زمینه آشوب عمومی را فراهم ساخته بود به اوج خود رسید و در قلب‌های گوناگونی رخ می‌نمود. بارها امام (ع) صدای اعتراض مردم را بگوش عثمان می‌رسانید و عزل و لیان خطاکار را زوی می‌طلبید (بلاذری، ۱۴۰۰ق، ج ۶، ص ۱۴۴) و در این رابطه خشم خود را از خلیفه این گونه آشکار می‌ساخت: "حق سنگین و تلخ است و باطل سبک و دل پسند. تو کسی هستی که از سخن راست به خشم می‌آیی و از سخن دروغ خشنود می‌شوی... از خدا بترس و از اعمالی که مردم را به ستوه آورده است، توبه نما چرادرست سفیهان بنی امیه را از ناموس مسلمانان و اموال آنان کوتاه نمی‌گردانی؟ به خدا قسم، اگر در غرب عالم یکی از کار گزاران تو ستمی نماید، تو نیز در گناه او شریکی (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ق، ج ۹، ص ۱۵). باید توجه داشت انتقاد سازند غیر از تخریب است انتقاد مشفقانه به دنبال اصلاح کجی‌ها و کاستی‌هاست از دیدگاه آن حضرت مردم وقتی انتقاد خیر خواهانه از رهبران خود دارند که خواهان دوام آنان باشند حضرت به کار گزاران خود سفارش می‌کند از چاپلوسان بپرهیزد: "آنان را از خواص و دوستان نزدیک، و از ازارداران خود قرار ده، سپس از میان آنان افرادی که در حق گویی از همه صریح ترند و در آن چه راکه خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مددکار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۵۳ ص ۳۰) این کلام بارزش حضرت بیانگر این موضوع است که نباید به افراد فرصت طلب میدان داد که واقعیت‌ها را بپوشانند و با چاپلوسی

خود بر عیوب و کاستی‌ها سرپوش بگذارند. البته اگر چه حضرت انتقاد خیر خواهانه را مفید می‌داند اما هشدار می‌دهد که انتقاد از زمامداران، نباید به مخالفت از حاکمان عادل منجر شود، زیرا نتیجه آن فساد جامعه و ناتوانی حکم عادل در مدیریت خوب جامعه خواهد شد، چنان که فرموده است: "آفت مردم مخالفت با زمامداران است" (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۵۴).

۱۲. بوجد آوردن روحیه تغافل

گاهی لازم است خود را به غفلت و بی خبری زدجهت چشم پوشی از خطای دیگران و چنین وانمود کرد که از خطای دیگران آگاهی ندارد تا این که شخص از عمل خود پشیمان شود گاهی مصلحت ایجاب می کند که بعضی از موارد، دانسته به روی خود نیاوریم تا گنه کار رسوا نشود و در عمل خود جسور نگردد، در زمینه انحرافات باید اطلاعات خود را آشکار کرد و جلوی آن ها را گرفت در بعضی موارد باید چشم خود را ببندیم و آن چه رامی دانیم نادیده بگیریم، امام علی (ع) می فرماید: "خود را به بی خبری نمایاندن از بهترین کارهای بزرگواران است" (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۲۲۲). البته این در صورتی است شخص آگاه شود و به اشتباه خود پی ببرد منظور امام (ع) تغافل است که در تعالیم دینی ممدوح شناخته شده و اولیای اسلام پیروان خود را به رعایت آن تشویق کرده اند که ناشی از ثقل و مصلحت و هماهنگی با اخلاق و فضیلت باشد و تغافل کننده آنرا با حسن نیت و اندیشه پاک انجام دهد که چنین تغافل از صفات حمیده است و اگر انگیزه تغافل فقط بزرگواری و شرافت نفسانی باشد، تغافل بسیار از زنده و پیرارج است (فلسفی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۰۳-۴۰۵). امیرمؤمنان امام علی (ع) به فرزندش امام مجتبی (ع) می فرماید: "عدالت همراه عفو برای خردمند، از کتک زدن سخت تر است" (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص ۸۹). و همین طور فرمودند "نباید نیکوکار و بیدکار پیش تو در یک تراز باشند این کار نیکوکاران را در نیکویی بیرغبت سازد و بیدکاران را به بدی و امیدارد. پس هر یک از ایشان را به آنچه عمل کرده است، جزایده" (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰۰). موضوع تغافل و خود را به بی خبری زدن از عهده هر کس ساخته نیست باید جوانب آن بررسی شود تا باعث رواج گناه در جامعه نشود.

نتیجه گیری

از بررسی زندگی امیرمؤمنان علی (ع) بخوبی روشن می شود که آن حضرت بهترین حسن معاشرت را با مردم داشته اند، مروری بر کلمات آن حضرت در نهج البلاغه نشان می دهد رفتاری که ایشان توصیه می کنند محبت آمیز همراه با صداقت و امانت داری و خوش گمانی با مردم است، از سویی دیگر سلطه گری و سلطه پذیری از نظرایشان مردود و غیر قابل قبول می باشد نظارت بر کار کارگزان، دقت در حفظ اموال عمومی که

همان بیت المال مسلمانان است توصیه به فرمانداران خودجهت رعایت کردن حقوق مردم، رسیدگی به امور مستمندان و فقیران، زدودن غم از چهره نیازمندان، هم سطح کردن زندگی شان رابا زندگی مردم معمولی توصیه آن حضرت دوری کردن از کبر و غرور و بروز خشم و عصبانیت، انتخاب نیکوکاران در منصب‌ها و پرهیز از افراد بدسابقه امیرمؤمنان همان گونه که مردم رابه خوش رفتاری سفارش می‌فرمود، خودشان الگویی دراین زمینه بودند. از نظر رفتارهای اجتماعی و تربیتی اگر به چیزی امر می‌کرد یا از چیزی نهی می‌کرد خود در این زمینه پیش قدم بودند معیار درهمه امور برای ایشان رضایت مندی خداوند بود، بنابراین بررسی سخنان آن حضرت و سیره عملی ایشان میتواند شناختی همه جانبه و کامل، از آداب زندگی انسان ارائه دهد، کلام ایشان بر محور خداشناسی و مردم داری براساس تربیت صحیح استوار است. اگر آن چه را ایشان بیان فرموده اند در جامعه پیاده شود [آن جامعه یک جامعه‌ی هدف دار و آرمانی خواهد شد که همه‌ی مردم در آن احساس امنیت می‌کنند علت عمده گرفتاری جامعه‌ی بشری امروز دور ماندن از تعالیم تربیتی آن حضرت می‌باشد.

منابع

۱. نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمددشتی، قم مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، ۱۳۳۷ ق شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳. ابن شعبه حرانی، محمدابن حسن، ۱۳۷۶، تحف العقول، تهران، کتابچی.
۴. ایران پور، شیوا، ۱۳۸۸، مهات های اجتماعی در نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تاریخ فلسفه آموزش و پرورش، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
۵. بلاذری، احمدابن یحیی، ۱۴۰۰ ق، انساب الاشراف، بیروت، بی تا
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۷۷، غررالحکم ودررالکلم، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. ثقفی، محمدبن ابراهیم، ۱۳۷۱، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ وارشاداسلامی.
۸. خوانساری، سیدجمال الدین محمد، شرح غررالحکم ودررالکلم، تصحیح سیدجمال الدین ارموی، تهران، دانشگاه تهران.
۹. صدوق، محمدبن علی، بی تا، الخصال، ترجمه و تصحیح احمدفهری زنجانی، تهران، علمیه اسلامی.
۱۰. علوی تراکمه ای، مجتبی، ۱۳۶۳، شرح خطبه متقین، تهران، هجرت.
۱۱. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۶۳، گفتار فلسفی (اخلاق از نظر همزیستی ارزش های انسانی). تهران معارف اسلامی.
۱۲. فیض الاسلام، علی نقی، ۱۳۷۹، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، فیض الاسلام.
۱۳. قرشی، علی اکبر، ۱۳۸۴، آیین نهج البلاغه، تهران، فرهنگ مکتوب.
۱۴. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۴، منهی الآمال، قم هجرت.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۸، بحار الانوار، قم، انتشارات اسلامی.
۱۶. محدثی، جواد، ۱۳۸۵، اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب.
۱۷. محمدی، مهری، ۱۳۷۵، بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۸. مسروری ثانی، حسین، ۱۳۸۴، تعهد و مسئولیت انسان از دیدگاه نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۹. ناظم زاده، سید علی اصغر، ۱۳۷۵، جلوه های حکمت، قم دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۵۲ ■ فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی - شماره ۱۴

۲۰. نراقی، احمد، بی تا، معراج السعاده، تهران، رشیدی.

۲۱. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۹ق، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

